

جای خالی سلوچ



بعد از «کلیدر» رمان «جای خالی سلوچ» را می‌توان از مشهورترین آثار محمود دولت‌آبادی به شمار آورد. رمان، زندگی مشقت‌بار یک زن روستایی به نام «مرگان» را روایت می‌کند که در یکی از روستاهای دورافتاده ایران به نام «زمینج» زندگی می‌کند. سلوچ که شوهر مرگان است، به ناگهان ناپدید می‌شود و مرگان تلاش می‌کند تا کانون خانواده را که شامل دو پسر به نام‌های عباس و ابرو و یک دختر دوازده‌ساله به نام هاجر است را همچنان حفظ کند. کتاب فرار و نشیب‌های زندگی زنی را روایت می‌کند که هم عاشق سلوچ است و هم به‌خاطر اینکه شوهرش او و خانواده‌اش را ترک کرده از او عصبانی است...

روزگار سپری شده مردم سالخورده



این رمان سه‌جلدی روایتی مفصل و پر از جزئیات است که درباره دو نسل حرف می‌زند. «اقلیم باد»، «برزخ خس» و «پایان جغد»، سه کتاب «روزگار سپری شده مردم سالخورده» هستند، دولت‌آبادی در این اثر هم سراغ سرنوشت روستائیان رفته است. داستان در جلد اول و دوم در روستای «کلخچان» و روستاهای همجوارش می‌گذرد، گوشه‌ای تک‌افتاده از سبزووار و بعد در جلد سوم یعنی «پایان جغد» نویسنده داستانش را به شهر می‌کشاند. این مجموعه سه‌جلدی روایتی است از همه‌ی آنچه در طول تاریخ بر سه نسل از مردمان سخت‌کوش و ستمدیده روستایی رفته است.

روز و شب یوسف



داستان بلند «روز و شب یوسف» یکی از داستان‌هایی است در ذهن محمود دولت‌آبادی هنگام نگارش رمان حماسی «کلیدر» شکل گرفته است. داستان کتاب «روز و شب یوسف» درباره پسر نوجوانی به نام یوسف است که به سن بلوغ رسیده است و مشغول گذراندن دوران بلوغ، یوسف در خانواده‌ای مذهبی و سخت‌گیر بزرگ‌شده تا حدی که محیط خانه پر از خفقان است. یوسف فرزند پدري دیکتاتور و مادری مطیع است که در مادری هیچ چیزی برای فرزندانش کم نمی‌گذارد. داستان اصلی کتاب درباره درگیری‌های ذهنی یوسف است؛ یوسفی که در کوچه و خیابان سایه مردی را می‌بیند اما نمی‌تواند به آن برسد...

چهل سالگی کلیدر

کلیدر، از یک سو شاهنامه به نثر ایران است و از سوی دیگر جنگ و صلح ایران

سمیه مهرگان روزنامه‌نگار و داستان‌نویس

«کلیدر» بزرگ‌ترین و مهم‌ترین رمان فارسی است که حالا چهل ساله شده است؛ زمانی ده‌جلدی با بیش از ۲۵۰۰ صفحه، که می‌توان آن را «جنگ و صلح» ایران نامید. اگر «جنگ و صلح» را بخش عظیمی از تاریخ و فرهنگ و وجدان و حافظه ملی روسیه بدانیم، «کلیدر» نیز الگویی دقیق برای ارزیابی روح و وجدان ملی ایران به شمار می‌رود. به بیانی دیگر «کلیدر» از یک‌سو بازنمای روح ایرانی و وجدان ایرانی است، و از سوی دیگر بازنمای روح قومی/ملی ایرانی. از این زاویه «کلیدر» یک «شاهنامه» به نثر است. آنطور که دکتر عبدالحسین فرزاد استاد دانشگاه آن را اینطور توصیف می‌کند: «کلیدر اثری است که اگر آن را شاهنامه قرن بیستم ایران بنامیم، چندان بی‌راه نیست؛ زیرا در کلیدر فردوسی هم حس می‌شود.»

نوشتن «کلیدر» از پیش از انقلاب ۱۳۵۷ شروع می‌شود و در ۲۰ فروردین ۱۳۶۲ تمام. تقریباً چهل سال از چاپ جلد اول و دوم و ۳۰ سال از چاپ دوره کامل کلیدر می‌گذرد. اکنون از پس ۴۰ سال که دیگر «کلیدر» یک رمان «کلاسیک معاصر» محسوب می‌شود، این رمان به چاپ چهارم رسیده است.

دولت‌آبادی شیوه مجوزگرفتن کلیدر را اینطور توضیح می‌دهد: «یکی/دو سالی طول کشید تا مجوز نشر بیاید و خوشبختانه دوره وزارت فرهنگی آقای خاتمی بود و می‌توانم فکر کنم که آسان نبود نشر کلیدر با وجود نظری که ایراز شده بود از جانب رئیس اتاق ممیزی، وقتی وارد جمع ممیزها شده و گفته بود «یک شاهکار در این مملکت به وجود آمده، و من آن را خمیر می‌کنم!» با وجود چنان اظهارنظر قاطعی در فواصل سال‌های ۶۲-۶۴ می‌توانید تصور کنید کوشش خاتمی و نزدیکان ایشان، از جمله آقای فریدزاده و تلاش‌های پیگیر دیگر دوستان با حسن‌نیت، آسان نبود انتشار کتاب. با وجود این به محض جابه‌جایی وزیر فرهنگ، در وزارت آقای مهندس میرسلیم، جلوی انتشار کلیه آثار من، از جمله کلیدر بسته شد به مدت پنج سال، (به استثنای یک چاپ «جای خالی سلوچ») و چنان

شرایطی وقتی برای من پدیدار شد که از دانشگاه هم کنار گذاشته شده بودم و جنگ هم شدت یافته بود، کس و کارم آواره شده بودند و مانده بودم با خانواده و فرزندان دو تا دوازده ساله... تو خود بخوان حدیث مفصل را...»

«کلیدر» از وقتی که متن کامل آن چاپ شد تا امروز، همچنان سالی چندبار تجدید چاپ می‌شود. آقای موسایی مدیر نشر فرهنگ معاصر و ناشر کتاب، تاریخچه چاپ آن را اینطور توضیح می‌دهد: «اولین مواجهه و برخورد من با کلیدر برمی‌گردد به سال‌های ۵۷-۵۶، که از طریق آقای اسلامی که ناشر کلیدر بود، در جریان انتشار جلد اول و دوم کلیدر قرار گرفتم. جلد سوم و چهارم هم چاپ شده بود، که آقای اسلامی از انتشار کار انصراف دادند. سال ۶۰ بود که من انتشار کلیدر را بر عهده گرفتم. در اصل کلیدر جزو نخستین کارهای انتشارات «فرهنگ معاصر» بود. بعد از عقد قرارداد با آقای دولت‌آبادی، جلد‌های یک تا چهار را مجدد با حروف‌چینی جدید با ده‌هزار نسخه منتشر کردیم. در آن موقعی که کلیدر را به صورت تفکیک‌شده و جداگانه چاپ می‌کردیم، اصلاً فکر نمی‌کردم کلیدر قرار است به ده جلد برسد، نهایت برآورد ما هفت تا هشت جلد بود. ما مشغول حروف‌چینی و چاپ بودیم و آقای دولت‌آبادی مشغول نوشتن. سال ۶۲ بود که برای نخستین بار دوره کامل کلیدر در پنج جلد و با تیراژ ده‌هزار نسخه منتشر شد. در این بین ما علاوه بر چاپ کامل دوره ده‌جلدی، ۲۰ هزار نسخه ناقص (یعنی جلد‌های ۵ تا ۱۰) هم چاپ کردیم؛ چون قبلاً جلد‌های یک تا چهار حدود ۲۰ هزار نسخه چاپ شده بود. یعنی در همان سال ۶۲، ما هم یک دوره کامل ده هزار نسخه‌ای چاپ کردیم، هم ۲۰ هزار نسخه متفرقه، تا بدین طریق بتوانیم نیاز همه مخاطبان کلیدر را پاسخ داده باشیم.»

چهل سال از شاهکار رمان فارسی می‌گذرد و در طول این سال‌ها هم اقبال عمومی از آن بیشتر شده، هم از سوی منتقدان و چهره‌های ادبی و دانشگاهی مورد تقدیر قرار گرفته است، هم به زبان‌های دیگری چون آلمانی و عربی نیز ترجمه شده است. عبدالحسین فرزاد مترجم عرب آن را زمانی برتر از آثار نجیب محفوظ نویسنده



نوبلیست مصری برمی‌شمرد و درباره آن می‌گوید: «کلیدر، عرصه قدرت‌نمایی زبان شیرین فارسی در حوزه توصیف و روایت است. به بیان دیگر آنچه کلیدر را جذاب می‌کند، فخامت زبان است؛ زبانی که هم تاریخ بی‌هقی است هم مرزبان‌نامه، هم اسرارالتوحید و هم شاهنامه، و درعین حال خودش است: زبان کلیدر. این رمان تجلی و تبلور حادثه‌ها در بنیان مرصوص زبانی بسیار لطیف و درعین حال پرنرزی همچون تار ابریشم است. زبان کلیدر، روایت داستانی را به روایت شعری ترجمه می‌کند. در روایت داستانی، غالباً این گذشته است که متکاتف و فشرده می‌شود، اما در روایت شعری، حال و آینده مترکام می‌گردد. زبان کلیدر، گذشته و حال را در برابر ذهن خواننده درهم فشرده می‌کند و درهم می‌تند و به معجونی شگفت، درمی‌آورد که همزادپنداری را به طرز هولناکی ممکن می‌سازد تا آنجا که مخاطب گویی داستان خودش را در حال زندگی کردن است. از این رو است که هرکس خواندن کلیدر را آغاز کند دیگر آن را زمین نمی‌گذارد و شاید هم آن را بارها و بارها بخواند...»

«کلیدر» در ادبیات فارسی یک «پدیده» است. آنطور که محمد قاسم‌زاده داستان‌نویس می‌گوید: «کلیدر، یک پدیده است و درست مثل پدیده‌های طبیعی حاصل ممارست صاحب اثر. ممارستی